

واکاوی جرائم جنسی کودکان و نوجوانان

تالیف:

علیرضا دانشی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۵.....	فصل اول
۱۵.....	مفهوم کودک ونوجوان
۳۳.....	فصل دوم
۳۳.....	آزار جنسی و بررسی عوامل و پیشگیریها
۷۵.....	فصل سوم
۷۵.....	راهکارهای کاهش آزار جنسی
۱۱۵.....	نتیجه گیری
۱۲۱.....	پیوست ۱
۱۲۶.....	پیوست ۲
۱۲۹.....	منابع
۱۳۱.....	کتاب ها
۱۳۳.....	نشریه ها

مقدمه

پیشگیری در هر کشوری دارای اهمیت خاصی است و از اولویت های هر کشور در سیاست گذاری های جنایی آن است، پیشگیری از آسیبهای کودکان و نوجوانان نیز به دلیل اینکه این دوران (کودکی و نوجوانی) دورانی حساس برای افراد است، مهم بوده و نیاز به مذاقه فراوان در این زمینه است. برای اینکه کودکان و نوجوانان به ورطه فساد و تباهی کشیده نشوند، می توان از پیشگیری لازم که مختص سنین پایین در افراد می باشد استفاده کرد. کودکان و نوجوانان در مسیر رشد خود با نهادهای مختلفی از قبیل خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه ها در ارتباطند، که این نهادها با توجه به خصوصیات فردی در کودک و نوجوان می تواند هم به صورت عامل خطر و هم به صورت عامل حمایتی عمل کند که می توان با کنترل عوامل خطر یا تبدیل این عوامل به عوامل حمایتی در زندگی افراد که با توجه به سیاست جنایی می توان در تدوین قانون و هم در اجرای آن، پیشگیری را رعایت کرده و اجرا نمود. پرداختن به مسائل کودکان و نوجوانان در جامعه از جوانب مختلف حائز اهمیت است، کودکان و نوجوانان از یک سو به دلیل ضعف در همه ابعاد جسمی و فکری نیازمند حمایت و توجه اند و جامعه مکلف به تأمین و تضمین حقوق رشدی آنها علاوه بر تکلیفی که در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان بر عهده دارد، می باشد. بهتر است پیشگیری قبل از اینکه فرد وارد عمل شود، اجرا گردد. ، بنابراین سیاست افتراقی نسبت به این افراد بایستی قبل از ارتکاب هر عملی توسط آنان به کار بسته شود، نه بعد از آن .

یکی از مسائلی که همواره مورد بحث و چالش های جدی قرار گرفته و صاحب نظران و پژوهشگران با برگزاری میزگردها و سمینارهای مختلف و تهیه کتب و مقالات درصدد بررسی و واکاوی آن پرداخته اند تا نواقص و کاستی هایی را که در این زمینه وجود دارد را تا حدودی کاهش دهند، حقوق کودکان و نوجوانان است. کودکان به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری نیاز به مراقبت های ویژه دارند. به ویژه آنکه کودک به دلیل نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی و ضعیف بودنش نیازمند مراقبت ها و حمایت های حقوقی اند.



از دیگر سو، به دلیل پیچیدگی های جوامع در کشورها به خصوص کشورهای توسعه نیافته، با توجه به فضای فرهنگی جدید و به دلیل اینکه این جوامع در حال گذار از سنت به مدرنیته هستند، نگاه سنتی هنوز ارجحیت دارد و فرزندان به دلیل فرهنگ ها و دیدگاه های جدید، روش های تربیتی گذشته را نمی پذیرند. به همین دلیل است که محققان و صاحب نظران حقوق کودک معتقدند علاوه بر رفع نواقص و کمبودهای موجود در این زمینه باید از بعد فرهنگی نیز آسیب شناسی صورت گیرد.

تمام کودکان و نوجوانان حق دارند که نیازهای اساسی آنها برآورده شود، که نه تنها شامل نیازهای لازم برای بقا و امنیت که شامل حقوقی است که به آنها امکان می دهد تا حد توانایی خود به رشد جسمی و ذهنی رسیده و با توجه به سن و میزان رشد خود به عنوان عضوی از جامعه عمل نمایند و به یک شهروند بزرگسال مسئول و علاقمند به امور جامعه تبدیل شوند. حقوق کودکان معمولاً با مسئولیت پذیری آنها همراه می شود. اما حق، چیزی نیست که شخص آنها در اثر انجام وظیفه کسب کند. حق امری ذاتی و مستقل است و ما نمی توانیم حقوق کودکی را به خاطر ناخشنودی از بعضی رفتارهای وی، نادیده گرفته و کودک را از آن محروم نماییم.

این در حالی است که جامعه ای که ما آنها را با عنوان محیط امن و آسایش انسان می شناسیم از دیر باز شاهد رخدادها و وقایعی بوده و هست که زاینده دست آدمی است. وقایع گاهاً بسیار تلخ و قبیح که وجدان هر انسان آزاد اندیش را به درد می آورد. از جمله این جرایم و اعمال موارد متعدد کودک آزاری و سوءاستفاده های جنسی از کودکان و نوجوانان و تعرض به حریم شخصی آنان می باشد که موضوع اصلی این تحقیق را تشکیل می دهد. هر چند بیشتر این وقایع جنبه روان شناختی دارند و در اثر مشکلات روانی و اجتماعی بروز می کنند، اما به علت نقض حقوق طبیعی انسان، خصوصاً حقوق کودکان و نوجوانان همواره مورد نگرانی جامعه می باشند. تعرض به حریم شخصی کودک الزاماً نباید صورت تجاوز به خود بگیرد، چه به لحاظ تجاوز به حریم شخصی و چه به لحاظ کودک بودن قربانی. از اینرو هر رابطه ای که



به کودک تحمیل شده باشد، به دلیل خصوصیات رفتاری و شخصیتی، تجاوز و تعرض محسوب می شود. این تعرض (رابطه) می تواند از طرف یک بزرگسال یا هر کس دیگری که بر کودک قدرت و کنترل دارد، صورت گیرد.

هر چند موضوع تحقیق یک مبحث حقوقی است و می بایست بیشتر حول محور قوانین و مباحث حقوقی حرکت کنیم اما در قسمت هایی از پایانامه برآمده ام تا با نگاهی گذرا و اجمالی به سایر علوم و رشته های از قبیل جامعه شناسی و روانشناسی در جهت پربار کردن این تحقیق اقدام کنم. به همین دلیل در این تحقیق سعی شده است تا با نشان دادن زمینه های آسیب و تجاوز و خلاءهای که در رابطه با حقوق کودکان و نوجوانان در معرض آسیب های جنسی گامی هر چند ناچیز در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان کشورمان انجام داده باشم. نقض حقوق کودکان و نوجوانان و آزار جنسی آنان سابقه طولانی در تاریخ بشری دارد که در هر دوره ای از تاریخ تعریف مفهومی آن متفاوت و معمولاً فاقد بار معنایی منفی بوده است برای مثال در تمدن های قدیمی دختران جوان اغلب به منظور سوء استفاده جنسی به معابد بابل هدیه می شدند.

حتی در قرون معاصر نیز شاهد چنین برخوردهایی با کودکان البته با قالبهای متفاوت و خطرناکتر نظیر قاچاق کودکان برای امور جنسی می باشیم.

حقوق کودکان از جمله مسائلی است که تا چندین سال قبل، چه در ایران و چه در سایر کشورها و نیز در عرصه بین الملل، چندان مورد توجه نبوده است. شاهد این ادعا اینکه، کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ از سوی سازمان ملل به تصویب رسید در حالیکه تقریباً ۴۰ سال قبل از آن یعنی در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل به تصویب رسیده بود. البته قبل از تصویب کنوانسیون جهانی حقوق کودک، چند اعلامیه در این رابطه به تصویب کشورها رسیده بود؛ من جمله اعلامیه حقوق کودک ژنو (۱۹۲۴) و اعلامیه حقوق کودک مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۹۵۹) اما در هیچکدام از این اعلامیه فراخور وضعیت کودکان و متناسب با کنوانسیون جهانی حقوق کودک، به حقوق

کودکان صریحاً توجه نشده بود. بشر در طی تاریخ زیست جمعی خویش معمولاً به انسانهای فاقد کمال عقلی و ذهنی همچون اطفال و مجانین به چشم افراد ناقص و در حکم مال و قابل تملک برای خویش و در نتیجه محروم از حقوق اجتماعی می نگریسته، بطوریکه این امر و من جمله حس تملک نسبت به کودکان و اینکه کودک به هر روی متعلق به والدین خویش است، از دلایل اصلی بی توجهی و کم توجهی به حقوق کودکان بوده است..

چنین طرز تفکری در خصوص حقوق کودکان و معضلات متعدد پیش آمده در رابطه با نقض حقوق اولیه کودکان، باعث شد که سازمان ملل در سال ۱۹۸۹، کنوانسیون جهانی حقوق کودک را به تصویب رساند این کنوانسیون دارای یک مقدمه و ۵۴ ماده است که ۴۱ ماده آن اختصاص به حقوق کودکان و ۱۳ ماده آن درباره چگونگی اجرای آن در کشورهای عضو بحث می کند. این پیمان بطور کلی چهار زمینه اصلی در رابطه با حقوق کودکان مورد توجه قرار می دهد که عبارتند از رشد، بقا، حمایت و مشارکت.

اکثریت کشورهای دنیا به عضویت این کنوانسیون درآمده و متعهد به تصویب قوانین داخلی لازم در جهت اجرای بهتر و مناسب قواعد این کنوانسیون در سطح ملی شده اند. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ و با اعمال حق شرط (در چارچوب مقررات شرع و به شرط عدم تغایر مفاد پیمان با شرع اسلام) به این کنوانسیون پیوست. با اینکه در دین اسلام، کودک جایگاه ویژه ای دارد و این مکتب دستورات بسیار مهم و حساسی را در زمینه نحوه برخورد با کودک و رعایت همه جانبه حقوق وی به والدین ارائه می دهد که هدف تمامی آنها توجه خاص به کودکان و تاکید بر اهمیت دوران کودکی می باشد و حتی بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث منقول از اولیاء دینی تاکید فراوان به کامل شدن حقوق کودکان داشته و والدین را ملزم به رعایت حقوق کودکان نموده و آن را جزء لاینفک تکالیف دینی و مذهبی آنان می داند.

اما علیرغم این مبنای دینی روشن و قابل تحسین، عضویت مشروط ایران در کنوانسیون جهانی حقوق کودک و در کنار آن ناچیز بودن آگاهی عمومی جامعه نسبت به پدیده کودک



آزاری، فقدان مرز مشخص و تعریف شده برای کودک آزاری و تنبیه تربیتی و تجویز تنبیه در برخی از قوانین موجود و برداشت نامناسب از این تجویز، نتوانست معضلاتی را که در زمینه حقوق کودک بویژه کودک آزاری، وجود داشت رفع کند.

برای مثال ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مقرر داشته است: "ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی توانند طفل را خارج از حدود متعارف تادیب تنبیه نمایند." یا بند ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، اقدامات والدین را که به منظور تادیب یا حفاظت کودکان انجام می شود به شرط رعایت حدود متعارف تادیب و محافظت جرم نمی داند. فهم معنای حدود متعارف تادیب و تنبیه و عدم تعیین آن توسط قانونگذار و در نتیجه واگذاری آن به تشخیص عرف، موجبات سوء استفاده از قانون را برای برخی از والدین و سرپرستان قانونی اطفال فراهم نموده است.

براساس آمار سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۹، چهل میلیون کودک زیر ۱۴ سال در سراسر جهان در معرض انواع کودک آزاریها قرار گرفته‌اند. آمارهای مختلف حتی در کشورهای پیشرفته بیشتر تخمینی است و موارد واقعی همیشه بیشتر از آمارهای تخمینی است. برای مثال بررسی‌ها در خصوص روابط میان خانواده و فرزندان نشان می دهد، در مقابل یک مورد کودک آزاری که فاش می شود، حداقل ۲۰ مورد دیگر پنهان می ماند.

فصل اول

مفهوم كودك و نوجوان

۱-۱- کودک از دیدگاه قرآن و فقه

کودک محصول زندگی مشترک پدر و مادر است. پدر و مادری که بر اساس پیوندی در کنار هم قرار گرفته و کانون پر مهر و محبتی به نام خانواده را تشکیل داده اند که از نگاه اسلام محبوبترین بنیاد و بنیان اجتماعی محسوب می شود. فرزندان حق حیات، رشد، کمال و ... را دارند. در کلام وحی الهی و کلام معصومین علیهم السلام و دستورات دینی راه و روش رعایت حقوق کودکان بارها تکرار شده است^۱.

درباره زمان شروع کودکی در روایات، احادیث و آیات تصریح خاصی به عمل نیامده است بلکه این مطلب را باید با تأمل استنباط نمود. در برخی از آیات قرآن لفظ طفل صریحاً به کار برده شده است. مانند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَنَاشِئًا إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ (حج: ۵) [۱۱]

ای مردم اگر در رستاخیز شک دارید، پس بدانید که بدرستی ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، سپس از خون بسته شده، سپس از مضغه (گوشت جویده شده) که بعضی دارای شکل و خلقت و بعضی بدون شکل، تا اینکه بر شما روشن سازیم که تواناییم بر هر چیز؛ و جنینها را که بخواهیم تا مدت معینی در شکم مادر قرار می دهیم، بعد شما را به صورت طفل خارج می سازیم تا اینکه به حد بلوغ برسد.

خداوند در این آیه مبارکه، نوزادی را که روح در کالبدش دمیده شده و از شکم مادر خارج و متولد گردیده طفل (خرد و صغیر) نامیده است، تا زمانی که به حد بلوغ و رشد و شدت برسد. اصولاً اسلام از زمان انعقاد نطفه برای او اعتبار قائل شده و حتی در این زمینه احکام

۱- معززی زاده تهرانی، مریم، کودک کیست جستاری بر حقوق کودک در قوانین ایران، نشریه آفتاب یزد،



جزایی ذوالمراتبی را مقرر داشته و بدین ترتیب از لحظه انعقاد نطفه در رحم مادر، حمایت شده است. این حمایتها، همان طور که در کتب فقهی آمده است عیناً در قوانین موضوعه ایران از جمله قانون مجازات اسلامی که از فقه امامیه نشأت گرفته، منعکس شده است مانند ماده ۷۱۶ ق.م.ا که برای سقط جنین از نطفه تا مراحل دیگر، دیه خاص در نظر گرفته شده است.

این توجه خاص اسلام به مراحل تکامل نطفه در رحم نشان دهنده آن است که در واقع از زمان انعقاد نطفه، کودکی آغاز شده است، هرچند قبل از دمیدن روح باشد. چرا که نطفه از زمان انعقاد قابلیت دمیدن روح را یافته و به اصطلاح یک انسان بالقوه شده است و وضع مقررات وضعی و تکلیفی بر حمایت از وی در مراحل گوناگون، تنها از این نظر قابل توجیه می باشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَاهُ أَلَقَةً مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون: ۱۲) خداوند بعد از ذکر مراحل خلقت انسان و دمیدن روح که آفرینشی دیگر است، بر خود آفرین گفته است و این نشانه بزرگی و منزلت انسان است اگر بداند.

علاوه بر دلایل فوق، مؤیدات دیگری نیز می توان بر صحت اطلاق نام کودک بر نطفه منعقد شده، برشمرد. مثلاً در باب ارث و وصیت در زمان انعقاد نطفه، اثرات بسیاری مترتب شده است. اگر بعد از زمان انعقاد نطفه، مورث فوت کند، حمله که در زمان فوت، نطفه اش منعقد شده است، جزء وراثت است و نیز در باب وصیت آمده که وصیت بر حمل صحیح است، اگر چه روح در آن دمیده نشده باشد به شرط آنکه زنده متولد گردد ولی اگر مرده بیرون آید، وصیت باطل است.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَكَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (غافر: ۶۷)



او خدایی است که شما را از خاک و سپس از نطفه و آنگاه از علقه بیافرید و آنگاه به صورت طفل شما را بیرون می‌کند تا به حد بلوغ برسید و بعد از آن پیر سالخورده گردید ولی بعضی از شما قبل از رسیدن به پیری می‌میرید و نیز بیرون می‌کند تا به اجل معین خود برسید و شاید تعقل کنید.

ممکن است گفته شود که از زمانی نام جنین و کودک بر حمل اطلاق می‌شود که روح در او دمیده شده باشد و قبل از این زمان، اطلاق جنین و کودک بر وی درست نیست، اما با دقت در مباحث گذشته خلاف این قول ثابت می‌گردد چرا که در کتب فقهی از زمان انعقاد نطفه به آن حمل اطلاق می‌شود.

بنابراین از نظر حقوق اسلام زمان شروع کودکی همان زمان انعقاد نطفه است. البته تشخیص و تعیین آغاز کودکی از نظر مدنی و حقوقی برای کودک حائز اهمیت است و گرنه از نظر کیفری، انجام خطا و بزه در این مرحله متصور نیست. اما اگر کسی نسبت به او به عمد یا شبه عمد در همین مرحله نیز مرتکب جرمی همچون سقط جنین گردد، مجازات خواهد شد. اسلام برای حفظ حقوق طفل بعد از تولد نیز احکام و دستوراتی را دارد که در آیات و روایات آمده است. یک دسته از احکام مربوط به مسائل اخلاقی و عبادی است و در عین حال ضامن سلامت جسمانی، معنوی و رشد و ارتقای فکری و فیزیکی طفل است و دسته دوم از دستوراتی که مربوط به حقوق و آزادیهای طفل است دارای بار حقوقی بوده و ضمانت اجرای کیفری یا مدنی دارد^۱

۱-۲- کودک از دیدگاه قانون مدنی ایران

کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد، چون حیات واقعی با تولد شروع می‌شود

۱. آبروشن، هوشنگ، کودک آزاری در کنوانسیون حقوق کودک، چاپ اول، نشر اندیشه، ۱۳۸۶، ص ۶۷



بنابراین دوران کودکی هم با تولد آغاز می‌گردد. ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اهلیت برای دارای بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود». اما نبایستی فراموش کرد که کودک قبل از آنکه متولد شود، یعنی در حالی که جنین است، نیز دارای حیات است و بدین جهت شایسته است که مورد حمایت قرار گیرد. بدین اعتبار شاید بتوان ادعا کرد که شروع کودکی در واقع از تاریخ انعقاد نطفه می‌باشد، زیرا از این زمان است که کودک به عنوان موجودی زنده و مستقل از پدر و مادر مورد توجه مقنن قرار گرفته و برای او حقوقی مقرر می‌گردد.

مطابق مقررات قانون مدنی، حمل یعنی کودکی که هنوز متولد نشده، از تاریخ انعقاد نطفه عیناً مانند کودکی که به دنیا آمده از کلیه حقوق مدنی برخوردار می‌گردد، مشروط بر آنکه زنده متولد شود، اگرچه پس از تولد هم فوراً بمیرد.

علامتی که نوعاً برای زنده متولد شدن نوزاد در نظر گرفته می‌شود، گریه کردن و حرکت بعضی از اعضای بدن نوزاد است و این امور از علایم معمولی حیات است، اما اگر علایم دیگری دائر بر زنده متولد شدن موجود باشد مانند آنکه در اثر کالبد شکافی معلوم گردد که ریه‌های کودک تنفس نموده، برای اثبات وراثت او کافی است. از نظر مناسبات و روابط حقوقی، حمل یعنی کودکی که هنوز متولد نشده است به عنوان موجودی زنده و مستقل از پدر و مادر خود مورد نظر مقنن قرار گرفته و از این جهت می‌توان شروع کودکی را از زمان انعقاد نطفه دانست.

۱-۳- کودک در قانون مجازات اسلامی

با این حال با توجه به مراحل شکل‌گیری شخصیت کودک و جامعه‌پذیری تدریجی وی، متخصصان قائل به طبقه‌بندی و تفکیک دوران کودکی از بدو تا ختم آن شده‌اند به نحوی که در هر دوره حقوق و مسئولیت‌هایی را برای وی لحاظ کرده‌اند. در قانون مجازات اسلامی جدید نیز در کنار پذیرش سن زیر ۱۸ سالگی به‌عنوان سن کودک و نوجوان، یک تقسیم‌بندی دیگر نیز داشته به نحوی که دوره کودکی و نوجوانی به چهار دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم کرده است.